

# آشنایی زدایی از خدایان یونان به یاری سفری شگفت‌انگیز در زمان و مکان

نگاهی به سه‌گانه‌ی آتش‌دزد، اثر تری دیری

سیما رحیمی



## اشاره

نویسنده‌ی انگلیسی تری دیری بیش از هر چیز به خاطر برداشت گستاخانه‌اش از تاریخ در مجموعه کتاب‌های تاریخ ترسناک، "تاریخ با تمام تکه‌های کثیف آن"، شهرت دارد. او که چندان اعتقادی به سیستم‌های آموزشی ندارد در جایی گفته است: "ترجیح می‌دهم اصلاً مدرسه‌ای وجود نداشت. مردم این روزها طوری وانمود می‌کنند که انکار وجود مدرسه ضروریست. در حالی که دوران مدرسه‌ها تمام شده. مدرسه‌ها نمی‌توانند خود را با نیازهای جهان مدرن وفق دهند اما هر ساله پنجاه میلیارد یورو صرف آنها می‌شود." بازتاب همین اعتقاد اوست که علاوه بر نحوه‌ی پرداختش به تاریخ در "تاریخ ترسناک" در رمان اخیر او برای نوجوانان، سه‌گانه‌ی "آتش‌دزد" هم خود را نشان می‌دهد. خود دیری هم این را تأیید می‌کند. او نوشته‌هایش چه نمایشنامه‌ها و چه کتاب‌ها را، آمیزه‌ای از آموزش و سرگرمی می‌نامد. "به این دلیل که پیش از هر چیز باید خواننده را جذب کرد. و این که بهترین راه برای آموزش به افراد سرگرم کردن آنهاست."

رویگرد دیری به آموزش و سرگرمی هم زمان نزد کودکان محبوبیت بسیاری پیدا کرده است. بیش از ۲۰ میلیون نسخه از کتاب های او در سراسر جهان فروخته شده و خودش تنها به خاطر کتاب های تاریخ ترسناک در تمام مدارس و خانه های آمریکا شهرت دارد. این کتاب به خاطر جزئیات مهوع رویدادها، اطلاعات مربوط به جنایات تاریخی و تصاویر طنزآمیزش محبوب کودکان، و به خاطر علاقه مند کردن آنها به تاریخ محبوب والدین آنهاست. دیری تا کنون ۱۸۰ کتاب نوشته است. او به طور متوسط هر شش هفته یک کتاب می نویسد. حتی چندین جلد از تاریخ ترسناک خود را نیز به نمایشنامه درآورده. می توان او را یک پدیده ی بی کم و کاست نامید. نویسنده ای نه تنها پرکار بلکه بسیار مستعد و تحسین شده. با سه گانه ی آتش دزد دیری وارد حیطه ادبیات کودک و نوجوان می شود و داستانی می نویسد همپای تمام نوشته های جی. کی. رولینگ. داستانی با عمق بسیار و سبکی منحصر به فرد.



دیری که در سال ۱۹۴۶ در ساندربند به دنیا آمده و اکنون ساکن دورهام است پیش از این بازیگر، کارگردان تئاتر و مدیر

موزه بوده است. کتاب هایش به بیش از سی و هشت زبان ترجمه و در کشورهای بسیاری از روسیه تا برزیل، کشورهای اسکانندیناوی و چین چاپ شده اند. یکی از جوایز بیشمار او جایزه بلویتر برای بهترین نویسنده ی کتاب های غیرداستانی قرن است. در سال ۲۰۰۰ نیز دانشگاه ساندربند در رشته آموزش به او دکترای افتخاری داد. کتاب اول از سه گانه ی آتش دزد او در سال ۲۰۰۶ توسط نشر کتاب های کودکان مک میلان در لندن چاپ شد و به زودی در ردیف پرفروش ترین کتاب های کودکان قرار گرفت.



### نگاهی به داستان آتش دزد

داستان در دو زمان و مکان متفاوت یکی جایی در کوهستان المپ و در میان اساطیر یونان باستان و دیگری در کلان شهر تاریک و دودناک عدن در آمریکای اواخر قرن هجده و اواسط قرن نوزده می گذرد. خدایان، ایزدان و هیولاهای جهان باستان از طریق سفر درمکان و زمان به شهر عدن وارد می شوند و این چنین طرح های داستانی در هم بافته می شود. قهرمان اصلی کتاب پرومتئوس ایزد یونانی است که آتش را از خدایان دزدید و آن را به انسان ها داد. با انجام این کار پرومتئوس غضب خدای خدایان زئوس نیرومند و همسرش هرا را برمی انگیزد تا در محکومیتی ابدی به کوه های قفقاز زنجیر شود. ایزد انتقام، عقابی که ماموریتش نابودی و شکنجه ی ایزدان گناهکار است ماموریت دارد هر روز جگر پرومتئوس را از بدنش بیرون بکشد. جگر روز بعد دوباره می روید و شکنجه تکرار می شود تا...

کتاب اول: آتش دزد

داستان "آتش دزد" اولین کتاب این سه گانه، با تصویر پرومتئوس به بند کشیده شده آغاز می شود. درست در حالی





که ایزد انتقام قرار است جگرش را با منقار بیرون بکشد. اما در عوض این پرومتهوس است که بعد از رهایی از بندهایی که پسرعمویش زئوس دو بیست سال پیش با آن او را به کوه زنجیر کرده بود ایزد انتقام را به چنگ می آورد، گردنش را می شکند و فرار می کند. زئوس، خدای خدایان، با این شرط که اگر پرومتهوس توانست قهرمانی انسانی پیدا کند از مجازات رها شود او را به جست و جوی یک قهرمان واقعی انسانی می فرستد. پرومتهوس با یک جفت بال جادویی به آینده سفر می کند و در شهر عدن فرود می آید. در اینجا اولین راوی، کودک یتیمی به اسم جیم وارد داستان می شود: یک بازیگر و تبهکار کوچک که پولدارها را از شر ثروت شان خلاص می کند اما در واقع آرزو دارد روزی نویسنده شود. او و عمو ادوارد به پرومتهوس کمک می کنند. پرومتهوس هم به آنها کمک می کند تا پس از لو رفتن و محاکمه، ناشناس از شهر عدن فرار کنند. اما مشکل اینجاست که خدایان با استفاده از قدرت های ایزدی برای خلاصی دوستان تازه اش، مکان پرومتهوس را پیدا خواهند کرد. ایزد انتقام همچنان مصمم است که او را به چنگ بیاورد و تا ابد هر روز جگرش را پاره پاره کند و پرومتهوس باید ماموریتش را در حال گریز از او به پایان برساند.



پرومتهوس در شهر عدن معبدی پیدا می کند به اسم معبد قهرمان. مردم شهر به او می گویند این معبد برای بزرگداشت قهرمانی برپا شده که سال ها پیش شهر را نجات داده است. با پرواز پرومتهوس به زمانی دیگر برای یافتن آن قهرمان کتاب پایانی امیدوار کننده می یابد. جیم و عمو ادوارد هم بعد از فرار از عدن به کمک جینیوئری، دختر آشپز نوجوان، مسیر زندگی خود را تغییر می دهند.

#### کتاب دوم: پرواز آتش دزد

راوی داستان دوم این بار دختر نوجوان شجاع و کاردانی به نام نل است. او و پدر حيله گرش با نمایش های مخاطره آمیزشان در شهرهای مختلف می گردند و مردم را سرکپسه می کنند. در سال ۱۷۹۵ آنها تصادفاً به شهر عدن وارد می شوند که مردمش روزگار سختی



را می گذرانند. وحشی های دشت شهر را مورد محاصره قرار داده اند و غذای کمی از دروازه ها وارد می شود. در همین حال در زمانی دیگر زئوس و هرا از فراز ابرها نبرد تروی را تماشا می کنند. جایی که وقایعی در آستانه انجام است که سرنوشت نل را تحت تاثیر قرار خواهد داد. پرومتهوس که همچنان در حال سفر در زمان برای پیدا کردن قهرمان انسانی است این بار در زمانی عقب تر از زمان داستان قبل به شهر عدن برمی گردد. در آنجا او با نل و پدرش آشنا می شود و برای پایان دادن به محاصره شهر و نجات شاهدخت وحشی ها به کمک آنها برمی خیزد. ایزد انتقام همچنان به دنبال اوست و این بار به عنوان همدستانش قهرمانان مرده ی جنگ تروی؛ آشیل، پاریس و هکاتون خنرز هیولا را از هیبز، جهان زیرین، به همراه آورده است. هرا، همسر زئوس هم که از کسالت المپ به جان آمده به دشت های اطراف عدن، محل وقوع حوادث می آید و برای عبور از دیوارها دست به بازسازی حقه ی اسب چوبی تروی می زند اما شکست می خورد. در عوض نل وارد شهر می شود و شاهدخت را نجات می دهد. بعد به دنبال پرومتهوس به معبد قهرمان می رود. آشیل، پاریس و ایزد انتقام در آنجا منتظر پرومتهوس هستند و او یک بار دیگر بدون اینکه به نام قهرمان شهر عدن پی ببرد مجبور به فرار می شود.

#### کتاب سوم: آتش دزد تسلیم نمی شود

داستان این کتاب هم در شهر عدن اتفاق می افتد. سال ۱۷۸۵ است و پرومتهوس که دریافته برای پیدا کردن قهرمان باید باز هم در زمان به عقب برگردد برای بار سوم وارد شهر عدن می شود. این بار او با پسری به اسم سم آشنا می شود که با مادرش در شهرهای مختلف داروی تقلبی می فروشند. در نمایش داروی جادویی مادر سم پرومتهوس به آنها کمک می کند اما در پایان نمایش مچ سم و مادرش برای مردم عدن باز می شود. خوشبختانه زئوس که در شهر عدن در جست و جوی ایزد انتقام است آنها را از مهلکه نجات می دهد. زئوس که متوجه شده هیولا های باستانی ای مثل مینوتاور، اسفینکس، پرندگان استومفالیس و کربروس به دنبال شکست دادن او و تصاحب المپ هستند تصمیم گرفته پرومتهوس، تنها ایزدی که قدرت ایستادگی در مقابل آنها را دارد به المپ برگرداند. برای این کار باید اول به او در پیدا کردن قهرمان انسانی کمک کند. در عوض ایزد انتقام هم به دنبال متحد کردن هیولاها برای نبرد با زئوس و پرومتهوس است. هفت هیولای ترسناک به همراه ایزد انتقام با نقشه های شوم به شهر عدن می آیند و سم مجبور می شود به زئوس کمک کند آنها را شکست بدهند. در این کتاب خواننده مدام با این سؤال مواجه است: آیا سم می تواند بر هیولاها غلبه کند و پرومتهوس از تمام این ماجراها جان سالم به در خواهد برد تا سرانجام یک قهرمان انسانی پیدا کند؟ جواب این سؤال سرانجام در معبد قهرمان داده می شود. پرومتهوس مینوتاور را که برای بلعیدن سم آنجا منتظر است فراری می دهد و مردم او را قهرمان شهر عدن می نامند. سال آینده مجسمه پرومتهوس در معبد قهرمان قرار می گیرد. با دریافتن این که خود پرومتهوس قهرمان شهر

عدن بوده تلاش های او برای پیدا کردن قهرمان انسانی بی نتیجه می ماند و ایزد انتقام آماده نابود کردنش می شود. زئوس تلاش می کند جلوی او را بگیرد اما در می یابد که ایزد انتقام همان مرگ است که حتا خود او، خدای خدایان هم بعد از فراموش شدن با آن مواجه خواهد شد. پایان سه گانه ی آتش دزد خواننده ای را که تا به اینجا داستان را دنبال کرده غافلگیر می کند. ایزد انتقام جسم پرومتهوس را با خودش به بهشت می برد. جایی که قهرمانان به آن خواهند رفت. پرومتهوس قبل از مرگ به سم و آلیس، دختر برده، می گوید که قهرمانان واقعی آنها هستند. و داستان با این جمله که در وجود همه ی ما قهرمانی هست و اینکه مرگ سرانجام همه ی ما را در می رباید پایان می یابد.

### تحلیلی بر آتش دزد

ماجرای داستان "آتش دزد" بر اساس اسطوره های یونانی و با محوریت پرومتهوس نیمه خدا، نیمه تایتان شکل می گیرد. در واقع در این داستان اسطوره ی پرومتهوس، ایزدی که آتش را از خدایان دزدید و آن را به انسان ها داد بازآفرینی می شود. او که به جبران خیانت خود به خدایان به مدت دویست سال به کوه های قفقاز زنجیر شده است با کمک هراکلس از بندهایش رهایی پیدا می کند ولی بلافاصله با زئوس مواجه می شود. زئوس به او پیشنهاد می کند برای رهایی از سرنوشت خود قهرمانی انسانی بیابد. از اینجاست که جست و جوی پرومتهوس آغاز می شود. او برای فرار از انتقام خدایان شروع به سفر در زمان می کند و به کلان شهر تیره و تار عدن می رسد. در آنجا با مجموعه ای از شخصیت های کمیک آشنا شده و در می یابد که انسان ها سرانجام با هدیه ی او چه کرده اند. کتاب را به دلیل ریتم حوادث به زحمت می شود زمین گذاشت. ریتم نفسگیری که آتش دزد را محبوب خوانندگانی می کند که دوست دارند به سرعت در حوادث داستان غرق شوند. در واقع حوادث خواننده را به دنبال خود می کشاند. منتقدان بسیاری گفته اند ریتم تند آتش دزد آنها را به یاد بهترین کارهای تری پراچت می اندازد آن هم بدون آن که دیری چیزی از او وام گرفته باشد. کتاب محبوبیت بسیاری در بین مخاطبین کودک و نوجوان داشته است. محبوبیتی که بیشتر منتقدان آن را به سبک کمیک و سینمایی دیری وهوش و سرزندگی راویان نوجوان آن نسبت داده اند. همینطور به آمیختگی اساطیر یونان با زندگی در آمریکای شلم شوربای قرن هجدهم که به جذابیت داستان اضافه کرده است. امتیاز دیگری که منتقدان آتش دزد را به خاطرش ستوده اند این است که داستان جز خشونت کمی که در آغاز آن تصویر می شود، از تصویر کردن خشونت که در بیشتر داستان های این دستی رایج است پرهیز می کند. به علاوه نویسنده موفق شده است دو عنصر خطرپذیری و غافل گیری را به شکلی باورپذیر با طنز در هم بیامیزد.

اما بزرگ ترین عامل جذابیت آتش دزد در تصویر تازه ای است که داستان از اسطوره ها اعم از خدایان، ایزدان و حتا هیولاهای یونان باستان به دست می دهد. از همان کتاب اول، "آتش دزد"، خدایان یونان باستان به شکلی متفاوت از آنچه تا به حال نشان داده شده به تصویر کشیده شده اند. تصویری که در تمام طول سه گانه ی آتش دزد ادامه می یابد. زئوس به شیوه ی خودش به پرومتهوس کمک می کند اما با متقاعد کردن او به این که آزاد است و بعد فرستادنش به ماموریتی ناممکن همچنان به دنبال تنبیه اوست. به نظر می رسد خدای خدایان با این کار به دنبال دادن درسی به پرومتهوس است. این درس که انسان ها لیاقت استفاده از آتش را ندارند و پرومتهوس نباید آتش را به آنها می داد. به این ترتیب در این کتاب پر از شوخ طبعی با اسطوره ی خدایان، پرومتهوس درگیر ماجراهایی می شود که به عنوان یک ایزد تا پیش از این با آنها مواجه نشده. به اعماق آینده ی مه آلود و دودناک زمین سفر می کند و با زندگی انسان ها، موجوداتی که برای کمک به آنها دچار عقوبت شده، آشنا می شود و روند این ماجراها در تمام طول داستان به شکلی پیش می رود که خواننده نمی تواند به راحتی کتاب را رها کند. دیری به کمک راوی داستان، جیم، دو طرح داستانی را در هم می بافد که در



آن رویدادها با ریتمی تند از کوهستان المپ به میخانه های قدیمی و کاخ های مجلل شهر عدن در دوره ی دیکنز جهش می کنند.

کتاب دوم "پرواز آتش دزد" نیز با داستانی که خواننده را شیفته می کند، نه تنها به همان خوبی کتاب اول بلکه از آن هم بهتر پیش می رود. در داستان پرواز آتش دزد نبرد میان خوبی و بدی نمود بیشتری پیدا می کند و طنزی که با روایت آمیخته هم خواننده کودک وهم خواننده بزرگسال را به خنده وامی دارد. ماجرای کتاب به طرز فریبنده زمینه را برای وقایع کتاب آخر آماده می کند. در این کتاب یک بار دیگر دیری مهارت خود را در به تصویر کشیدن آمیزه ای باور پذیر از تاریکی و نور، شوخ طبعی و ماجراجویی، دسیسه و جذبه نشان داده است. صفحات کتاب مثل خود پرومتهوس پرواز می کنند و این باعث می شود روایت برای مخاطب کودک کسل کننده نباشد. این بار نیز راوی نوجوان نل، دو روایت را در هم می بافت و خواننده را با همان سرعت کتاب اول از صحنه های خونبار جنگ تروی به شهر محاصره شده عدن و از آنجا به کوه المپ می برد.

اما کتاب آخر این سه گانه، "آتش دزد تسلیم نمی شود"، ماجرای پرومتهوس را که در زمانی دیگر در جستجوی قهرمانی انسانی برای بار سوم به شهر عدن وارد شده دنبال می کند. دیری در کتاب سوم هم به پیروی از دو کتاب اول با داستانی پرتحرک پر از پان های کج و کوله، ایزدان بذله گو و پانویس های کنایه آمیز سنت روایت داستانی را به ریشخند می گیرد و خواننده را درسفری دیوانه وار به درون اساطیر یونان می کشاند تا سرانجام با پایانی غافلگیرکننده خوانندگانی را که داستان را در دو کتاب اول این سه گانه دنبال کرده بودند بهت زده کند.

سه گانه ی آتش دزد بسیار لذت بخش است اما نمی توان از کنار این مطلب گذشت که پانویس ها و درآمد های فصل ها با مخاطب قرار دادن بیش از حد خواننده او را آزار می دهند. (کتاب در آغاز هر فصل درآمدی دارد که در باره داستان توضیحات معمولاً طنز آمیزی به خواننده می دهد. در طول روایت هم طنز و ماجراجویی به هم آمیخته می شوند.) کلبی مسلکی دیری به هر حال بعد از مدتی خواننده را خسته می کند اما خوشبختانه داستان ریتم تندی دارد و این ریتم تند تا حدودی این مساله را جبران می کند.

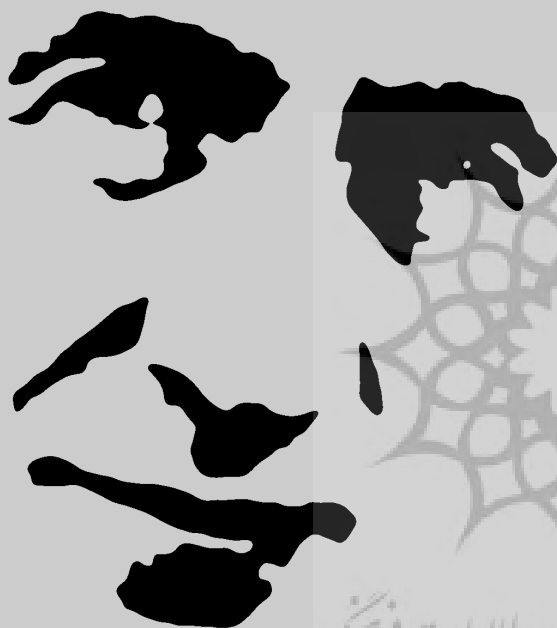
علاوه بر نقد و نظرهای تحسین آمیز غیر رسمی و استقبال بسیار مخاطبان، "آتش دزد" در نشریات نیز بسیار تحسین شده است. "لایبرری مدیا کانکشن" در ژانویه ی ۲۰۰۶ یعنی تنها مدتی پس از انتشار آن درباره اش نوشت: "آتش دزد با ایجاد آگاهی از حقوق شهروندی، حقوق کودکان، توجه به محیط زیست و حرمت انسانی در حین تلاقی شخصیت ها و موقعیت ها، کتابی سرگرم کننده، شوخ و آموزنده است." در اکتبر ۲۰۰۶ نیز نشریه ی "ووایا" درباره اش نوشت: "تفسیر شوخ دیری از اساطیر یونان،

پر از شخصیت های بذله گو و عجیب و غریب، یادآور نوشته های تری پراچت است و شایستگی آن را دارد که به همان خوانندگان کتاب های او توصیه شود." علاوه بر این آتش دزد در بیشتر سایت های بررسی کتاب هم زیر عنوان کتاب برتر و "کتابی که باید در کتابخانه فرزندتان قرار دهید" بررسی شده است: "این کتابی است که به هر مخاطبی در هر سنی توصیه می شود. سه گانه ای بامزه، ترسناک و بیش از همه سرگرم کننده و منبع آموزش و الهام."

## یادداشت ها:

### پرومتهوس (Prometheus)

پرومتهوس در اساطیر یونان یک نیمه خدا، نیمه انسان، فرزند یاپتوس و تمیس و برادر اطلس، اپیمتهوس و منوتیوس است. اوقهرمان انسان هاست. قهرمانی که شهرتش را به دلیل مکر هوشمندانه اش در دزدیدن آتش از خدایان و بخشیدن آن به انسان های میرا به دست آورده. زئوس به جبران این کار او را در کوه های قفقاز به زنجیر می کشد تا عقابی هر روز جگرش را بیرون بکشد. در حالی که روز بعد جگر پرومتهوس دوباره رشد می کند. نوشته های کهن بسیاری به افسانه ی پرومتهوس پرداخته اند که در بعضی از آنها او به خاطر نقش موثرش در آغاز تاریخ بشری سرزنش و در بعضی تحسین شده است.



## زئوس (Zeus)

در اساطیر یونان زئوس خدای خدایان، فرمانروای کوه المپ و خدای رعد و برق است. نماد او آذرخش، شاهین، گاو نر و بلوط است. علاوه بر وراثت هندواروپایی او، اسطوره کلاسیک زئوس به نام "جمع کننده ی ابرها" هم ویژگی های نمادین بسیاری مانند عصای سلطنتی خود را از سنت های خاور نزدیک گرفته است. هنرمندان یونانی زئوس را معمولا در یکی از این دو حالت مجسم کرده اند: در حالی که ایستاده و به جلو قدم برمی دارد، با آذرخشی که در دست راست افراشته اش و به موازات آن نگه داشته، یا در حالی که با شکوه و وقار نشسته است. زئوس کوچک ترین فرزند کروئوس و رئا بود که با هرا ازدواج کرد و از او صاحب فرزندان مثل آرس، هبه و هفائستوس شد. او همچنین به خاطر ماجراجویی های عاشقانه اش که منجر به زاد و ولد نیمه خدایان و قهرمانان بسیاری در اساطیر یونان شده مشهور است.

همتای رومی زئوس ژوپیتر است. در اساطیر هندو همتای او ایندراست که در تصاویر خود آذرخش را مانند چوب بلندی در دست گرفته است.

## آشیل (Achilles)

آشیل از قهرمانان جنگ تروی و فرزند تیس پری دریا بود. به هنگام تولد مادرش برای رویین تن کردن او را از مچ پا در رود اساطیری ستیکس که در جهان زیرین جاری است فرو کرد اما چون پاشنه پای کودک در دستش بود آب رود به آن نرسید و پاشنه ی آشیل نقطه ضعفش باقی ماند. آشیل در جنگ تروی در سپاه یونان حضور داشت و قهرمانی های بسیار کرد تا این که پاریس او را با نشانه گرفتن پاشنه ی پایش از پا در آورد.

## پاریس (Paris)

پاریس فرزند پریام شاه تروی و هکابه است. پیش از تولد او پیشگویان پیش گویی کرده بودند این کودک روزی موجب نابودی تروی خواهد شد. پریام به یکی از رازداران خود دستور داد تا کودک را از بین ببرد اما پاریس به خواهش مادرش زنده ماند و نزد شبانان کوه ایدا به جوانی و بالندگی رسید. پاریس پس از مدتی از جانب زئوس انتخاب شد تا میان الهه گان المپ؛ هرا، آتنه و آفرودیت بر سر این که کدامشان زیباترین دآوری کند. در این دآوری پاریس آفرودیت را انتخاب کرد و خشم هرا را برانگیخت. بعدها زمانی که پاریس در ماموریتی به اسپارت رفته بود شیفته ی هلن همسر زیبای مناس شاه اسپارت شد و با او به تروی گریخت. یونانی ها به دنبال هلن به تروی آمدند و ده سال تمام شهر را محاصره کردند. در پایان این ده سال سرانجام با حيله ی اولیس یونانی ها وارد شهر شدند و جنگ با نابودی تروی و تحقق پیش گویی غیب گویان پایان یافت.

## پان (Pan)

پان خدای چوپانان و گله ها، فرزند هرمس و نومفی به نام دریوپ بود. پان بالاتنه ی انسان و پایین تنه ی بز داشت و شیفته ی نی زدن و رقص و آواز بود. نی لبک او را نی پان می نامیدند.

## پرنندگان استومفالیس (Stymphalus)

پرنندگان استومفالیس پرنده گانی عظیم و هراس انگیز بودند با پنجه ها و منقارهای نوک تیز که در دریاچه ی استومفالیس در پلوپونز زندگی می کردند. این پرنده ها هر کسی را که به آنجا قدم می گذاشت از هم می دریدند و بقایای اجساد را با فضولات خود برجا می گذاشتند. سرانجام هرکول آنان را از میان برداشت.

## کربروس (Cerberus)

کربروس از هیولاهای جهان زیرین و سگ سه سر هراس انگیزی بود با دندان های بزرگ و تیز که بر دروازه های دوزخ نگهبانی می داد.

## اسفینکس (Sphinx)

هیولای بالدار با چهره و سینه زنانه و چنگال های شیر و تنه ی سگ و دم اژدها. اسفینکس چیستانی داشت که آن را بیرون دروازه ی شهرها از مسافران می پرسید و هر کس پاسخ درستی به آن نمی داد به او اجازه عبور از دروازه را نمی داد. اودیپ شهریار به چیستان او پاسخ داد و به این وسیله او را از میان برداشت.

## مینوتاور (Minotaur)

این هیولا سر گاو و اندام انسانی داشت و در هزارتویی در جزیره کرت زندگی می کرد. مردم جزیره برای آرام نگه داشتن مینوتاور هر نه سال یک بار تعدادی دختر و پسر جوان را به عنوان غذای او در هزارتو رها می کردند.

## هیدز (Hades)

هیدز برادر زئوس و پوزئیدون و فرزند کروئوس و رئا بود. در تقسیم بندی جهان میان سه برادر فرمانرایی آسمان و زمین به زئوس رسید و فرمانروایی دریاها به پوزئیدون. سهم هیدز فرمانروایی جهان زیرین یا جهان مردگان شد. ارواح مردگان پس از مرگ به جهان زیرین که به نام او هیدز نامیده می شد فرستاده می شدند و دیگر هر گز نمی توانستند از آن بیرون بیایند.